



۱۰ جون، ۲۰۲۴

داؤد موسی

## انسان فارغ از محیط زیست

(۲۰۱۴)



مطالب تحلیلی مرحوم داؤد موسی از آرشیف وی در استقلال – خپلواکی اقبال نشر می یابد

شب چهار شنبه ۱۵ نومبر که روی ستیشن های رادیو در جست و جوی یک پروگرام موسیقی کلاسیک آخر شب مرور میکردم، بر سیبل اتفاق گذرم بر یک مصاحبه ای که در پروگرام گنچ شایگان صدای امریکا با جناب محمد حسین فطرت بیدل شناس فرهیخته کشور افتاد. آنچه که گوش مرا تا پایان مصاحبه بخود مشغول داشت، همانا دانش زائدالوصف، زبان شیوا و گنجینه لغات بی کران آقای فطرت بود که الحق در خور مباحثات ماست.

اما گذشته ازین واقعیت، جناب شان در یک موردی با اشاره به چند بیٹی از بیدل ابراز نظر نمودند که گویا چون جنس بشر یگانه اشرف مخلوقات میباشد، پس محیط زیست او بر روی زمین بشمول کوه، دریا، جنگل زارها و سبزه زارها، آتش، برف و باران و ... در واقع هیچ است. من درین مقطع راه خود را مسیر از تفکر شان جدا یافته و میخواهم نکات ذیل را بمنظور رد نظر شان ارائه نمایم:

۱. انسانی که در غار کوه بسر می برد، اگر غار کوه نمی بود، اشرف مخلوقات نمی شد. بلکه در اولین زمستان شدیدی که در ماحول او حلول می نمود از بین رفته بود. اگر حیوانات اهلی و غیر اهلی چون گاو، گوسفند، بز، گرگ و خرس نمی بودند که انسان از پوست آنها جامه بسازد، باز هم امروز تنها فوسیل هایی از اشرف مخلوقات بر روی زمین می ماند و نه نشانه یی از اشعار عبدالقادر بیدل.

۲. یک نویسنده و عالم امریکایی بنام جارد دایمند (\*) نوشته است که در واقع پیدایش این مدنیت های تاریخی و از نتیجه آنها این امپراتوری های بزرگ گذشته و حالیه همه و همه زاده حالات جغرافی و طبیعی یی بوده که در سرزمین های همان اقوام حکمفرما بوده است. نامبرده قاره های یوریشیا (به معنی آسیا و یورپ به هم پیوسته) را به مقایسه آفریقا و امریکا مثال آورده می نویسد که از چند چیزیکه باعث عزمتم تمدن های این منطقه گردیده است یکی اینکه حیواناتی که باعث بوجود آمدن جوامع مدنی گردیدند (از قبیل اسپ، خر، شتر، گوسفند، گاو، مرغ و غیره) هم از بومیان همین دو خطه بوده اند. در مقابل قاره آفریقا با این همه وفور حیوانات مختلف پستاندار و طیور خود حتی یک حیوان اهلی را نیز به دنیا عرضه ننموده است. هم چنان قاره امریکا تنها چهار پایان (لاما) و (الپاکا) را که دو حیوان از فامیل شتر می باشند از خود دارد.

۳. به همین منوال دو قاره اول الذکر رستگاه نباتاتی که نوع بشر را اهلی و شهر نشین ساخته است نیز بوده اند. از گندم و برنج تا جو، نخود، لوبیا، انگور، سیب و یک تعداد اکثریت سبزیجات. در واقع اهلی ساختن گندم و برنج وحشی و یک چند نوعی از حیوانات اهلی دست بهم داده، باعث ایجاد فن زراعت گردید. همین پروسه انسان را از سرگردانی در صحراها و جنگل ها به منظور شکار حیوانات و یافتن میوه و ریشه های گیاهان به منظور یافتن قوت لایموت نجات داد. تا که این پروسه در بعض جوامع یک حالت "سر پلس" یا اضافه تولیدی در مواد زراعتی را بوجود آورده و تخصص پیشه از قبیل دهقانی، ملایی، کارمد، سپاهی گری و غیره بوجود آمد. در پایان وجود اخیرالذکر باعث ایجاد امپراتوری ها گردید.

۴. یک مزیت دیگر قاره یوریشیا اینکه این ساحه شرقاً و غرباً امتداد داشته و در نتیجه هر گیاهی که در جاپان می روید در اقصای غربی اسپانیه نیز رویده می تواند. در حالی که قاره های آفریقا و امریکا که چنین خصوصیت جغرافی طبیعی را ندارند ازین امر مستثنی می باشند. تمدن هایی که

استثناءً در قاره آفریقا بوجود آمده اند نیز از خیرات همسایگی با منابع طبیعی (دریا ها) بوده اند. مثل تمدن های مصر، حبشستان، مالی و غیره.

۵. وقتی این مبحث را فراتر دنبال نماییم، در می یابیم که فلزاتی از قبیل آهن، مس، برنج و غیره نیز بار اول در همین منطقه کشف گردیده و کاربرد آنها موجب ایجاد تمدن ها و امپراتوری های بزرگ در منطقه گردید.

پس از حقیقت بدور نخواهد بود اگر بگوییم که اگر خداوند (ج) انسان را اشرف مخلوقات ساخته است، نیل به این خصیصه بدون وجود طبیعتی که او را در خود پرورانده است خیلی نا محتمل می باشد. امروز می بینیم که در کشور امریکا جنس زنبور عسل از برکت کاربرد بعض مواد کیمیاوی مضر توسط اشرف مخلوقات سی در صد از بین رفته است. اگر کار به همین منوال پیش رفته و جنس زنبور عسل از دنیا معدوم گردد، باید از حاصلات برنج، میوه و عده زیادی از انواع میوه جات و سبزی جات دست بشوریم یعنی از وجود انسان در روی زمین. اینست عاقبت عدم توجه و به هیچ گرفتن محیط زیست ما و هم زیستان ما که اشرف مخلوقات نیستند.

این نکته نیز به ارتباط موضوع خالی از اهمیت نخواد بود که ما انسان ها نباید این قدر غره "اشرفیت" خود باشیم. چون خداوند جل علی شانیه که به حیوانات قدرت نطق و بیان نداده است، پس به منظور بقای آنها در روی زمین این نقیصه را به اشکال دیگری جبران نموده که بعضی ازین خواص را ما به پیغمبران و اولیاء الله نسبت می دهیم. یک روز قبل از زلزله بزرگ شهر تاشکند که چند دهه قبل به وقوع پیوست همه سگ ها، پشک ها از شهر برآمدند. مرغان خانگی بالای درخت ها پریدند و ماهیان از آب برآمدند. امروز هم در کشور چین پیش بینی زلزله ها از طریق قازها صورت می گیرد.

در آخر می خواهم به عرض برسانم که چون از اول سائق این نوشته ام گفتار آقای حسینی در مورد عبدالقادر بیدل بوده است، بهتر است من نیز به نوبه خود این نوشته را با ذکر یک بیت از شاعر زبردست دیگر زبان فارسی (سعدی) به انجام برسانم. او می گوید:

**ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند \* تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری.**

الله یاور.